

مقایسه فعالیت‌ها و عوامل والدینی در ورود موفق و ناموفق به مرحله نوجوانی چرخه زندگی (یک مطالعه کیفی)

محسن محمدی^۱، حسین سلیمی^۲، احمد برجعلی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۱۰

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف شناسایی و مقایسه عوامل مؤثر در ورود موفق و ناموفق به مرحله نوجوانی چرخه زندگی در خانواده‌ها انجام گرفت. **روش:** مطالعه حاضر با استفاده از روش کیفی انجام شد و داده‌های به دست آمده با روش نظریه زمینه‌ای مورد تحلیل قرار گرفت. جامعه پژوهش شامل کلیه والدین با نوجوان موفق و والدین با نوجوانان ناموفق در شهر تهران بودند و نمونه پژوهش شامل ۱۰ والد با نوجوان موفق و ۱۲ والد با نوجوانان ناموفق بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که عوامل حفاظت‌کننده مؤثر بر انتقال موفق و ناموفق در سه حیطه خانواده، والدینی و اجتماعی تعریف می‌شوند. یافته‌ها نشان داد که شیوه‌های ارتباط در خانواده، شیوه‌های مدیریت در خانواده، ساختار خانواده و وضعیت اقتصادی خانواده در حیطه خانواده در والدین موفق و ناموفق متفاوت بود. یافته‌های مربوط به عوامل والدین موفق و ناموفق در حیطه والدینی نشان می‌دهد که نگرش به تربیت، نگرش والدین به موفقیت، رفتار والدین به موفقیت و آسیب‌پذیری والدگری در والدین موفق و ناموفق متفاوت بود. همچنین عوامل حفاظتی والدین موفق و ناموفق در حیطه اجتماعی نیز تفاوت‌های اساسی با یکدیگر داشتند.

۱. دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، Mohamadi009@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، دانشیار مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی.

۳. دانشیار روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد به منظور انتقال موفق از مرحله نوجوانی چرخه زندگی خانوادگی سه محور شرایط محیط اجتماعی، آموزش به والدین و نوجوان و هم چنین تقویت منابع حفاظتی خانواده اثرگذار هستند.

واژه‌های کلیدی: عوامل والدینی، ورود موفق و ناموفق به مرحله نوجوانی

مقدمه

خانواده قدیمی‌ترین و حساس‌ترین نهادی است که بشر در طول تاریخ آن را داشته است. خانواده پایه‌گذار اولیه شخصیت، ارزش‌ها و معیارهای فکری است که نقش مهمی در سرنوشت و سبک خط‌مشی زندگی آینده فرد دارد و اخلاق و صحت و سلامت روانی فرد تا حد بسیار درگرو آن است (قاسمی مقدم، ۱۳۸۵). در میان انواع مختلف ارتباط که در طول گستره زندگی شکل می‌گیرد رابطه والد-فرزندی یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. لطیفیان و کورش نیا (۱۳۸۶) معتقدند که یکی از اصول بنیادی مهم در اجتماعی شدن تعامل با آن‌هایی است که از نظر عاطفی برای فرد اهمیت دارند در این میان والدین در جایگاه ویژه‌ای قرار دارند. مطالعات نشان‌دهنده نقش پراهمیت رابطه والد-فرزندی در سازگاری، نوع دلبستگی در نوزادی، نوع سرکشی در دوران کودکی و نوجوانی و نوع فرزند پروری در بزرگسالی است (میرشاهی، ۱۳۷۴). در میان انواع مختلف ارتباط که در طول گستره زندگی شکل می‌گیرد رابطه والد-فرزندی یکی از مهمترین آنهاست (استینبرگ^۱، ۲۰۰۱؛ به نقل از لیان^۲، ۲۰۰۸).

انتقال‌ها یکی از اصول چارچوب تحول خانواده هستند و انتهای یک مرحله از چرخه زندگی خانوادگی و شروع مرحله دیگر را نشان می‌دهند (مزینانی، ۱۳۸۶). اگرچه تنوع‌های زیادی در چرخه زندگی خانواده وجود دارد تحقیقات، تعدادی از فرآیندهایی که نسبتاً قابل پیش‌بینی هستند را کشف کرده‌اند، همچنین جنبه‌هایی از این چرخه‌ها وجود دارند که نسبتاً قابل پیش‌بینی هستند. تعدادی از ریتم‌ها و الگوهای جزو و مد زندگی خانواده وجود دارند و بعضی از آن‌ها نسبتاً قابل پیش‌بینی هستند. هرچقدر ما از

1. Steinberg. M.

2. Iian. J.

این الگوها آگاه تر باشیم، می‌توانیم بیشتر به خانواده‌ها جهت آمادگی برای سازش با زندگی روزانه خانوادگی کمک کنیم (راندال دی^۱، ۲۰۱۰).

نوجوانی معمولاً از وقتی آغاز می‌شود که فرد از لحاظ جنسی نضج یافته است و با رسیدن به سن قانونی یعنی سنی که قانوناً فرد می‌تواند در اموال خود تصرف کند یا در ازدواج به ولی نیاز ندارد پایان می‌یابد. از مطالعات درباره رشد و تکامل نوجوانان چنین برمی‌آید که تغییرات در رفتار، گرایش‌ها و ارزش‌ها در این دوره سریعتر انجام می‌گیرند بلکه رفتار، گرایش‌ها و ارزش‌ها، کاملاً با آنچه قبلاً بودند متفاوت می‌شوند (شعاری نژاد، ۱۳۸۰).

روابط خانوادگی اهمیت بسیاری در طول دوران نوجوانی دارد، در واقع طبق نظریه (ارتباط - سیستمی) که نقش خانواده در فرایند تکاملی شناسایی شده است. والدین، نوجوانان، در چالش رشدی قرار می‌گیرند. بنابراین هر دو یعنی والدین و نوجوانان، به انجام وظایفی در طول این دوره ملزم هستند. مهم‌ترین هدف در این دوران، رشد دادن نسل جدید در طول روابط بین نسل‌هاست. فرایند رشد (احساس خود) در نوجوانان فقط به زمینه‌های مختلف که در ارتباط و متعلق به او هستند ارتباط ندارند، بلکه به روابط متقابل والدین و فرزندان نیز مربوط است (کاتاپان^۲، ۲۰۰۸).

در این سن خانواده با چالش‌های سازمانی جدیدی دست به گریبان می‌شود، به ویژه راجع به موضوعاتی چون خود پیروی و استقلال. امکان دارد والدین دیگر نتوانند اقتدار کامل خود را حفظ کنند، اما در عین حال، نمی‌خواهند اقتدار خود را از دست بدهند. لذا، مواردی مثل تغییر مقررات، محدود سازی، و بازنگری در نقش‌ها که همگی ضروری نیز هستند، غالباً روابط بین دو یا چند نسل را به شدت دگرگون می‌سازند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ترجمه شاهی برواتی و نقشبندی، ۱۳۹۲).

کالینز، کوی و لارسن^۳ (۱۹۹۸) فراتحلیل درباره تعارضات والد - نوجوان انجام دادند و

1. Randall, D.

2. Cattapan, O.

3. Kalinz, kooy and Larsen.

به این نتیجه رسیدند که نوجوان در سالهای نوجوانی اولیه (۱۰ تا ۱۲ سالگی) در مقایسه با نوجوانی میانی (۱۳ تا ۱۶ سالگی) و نوجوانی پایانی (۱۷ تا ۲۲ سالگی) بیشترین تعارض را با والدین دارند. نوجوانان در سنین نوجوانی میانی شدیدترین میزان تعارض را با والدین در مقایسه با نوجوانی اولیه و پایانی گزارش می‌کنند، این آشفتگی ارتباط در خلال گذار نوجوانی اولیه به میانی یک فرایند طبیعی ناشی از گذار و مذاکره در ارتباط والد-فرزند است (زانگ، آرونی رتینگ^۱، ۲۰۰۸). هنگامی که جوانان فرایند انتقال را تجربه می‌کنند، هرگونه اختلال در شبکه‌های اجتماعی، خواه هنگام ورود یا خروج از مراقبت، یا هنگام تغییر جایگاه در طول دوره‌ی مراقبت می‌تواند منجر به ناراحتی‌های روانی شود (پری^۲، ۲۰۰۶).

تحقیقات معاصر آشکار کرده‌اند که الگوهای محیط خانوادگی برای افرادی که در وضعیت‌های پایین و بالای هویت هستند متفاوت است. محیط خانوادگی که با مشارکت‌های والدین در فعالیت‌های نوجوانان، ایجاد فرصت‌هایی برای رشد و کیفیت بالای ابرازگری و ارتباطات در خانواده مشخص می‌شود، شکل‌گیری هویت سالم را در نوجوانان تسهیل می‌کند (ظفرمند کاشانی، ۱۳۹۳). همچنین تعداد محدودی از پژوهش‌های طولی نشان دادند که روابط والد-کودک در رشد عملکرد هیجانی و تنظیم آن نقش دارد (بوتل^۳ و همکاران، ۲۰۰۹).

«در جریان بودن والدینی» در اعتماد به نفس کودکان موثر می‌باشد و همچنین باعث سطح بالایی از موفقیت و انگیزه و در عین حال باعث سطح پایین بزهکاری و پرخاشگری می‌شود. (اسمعیلی، شیرافکن، ۱۳۹۱). بی‌ثباتی محیط خانواده و تغییر در ساختار آن نقاط مهمی برای پژوهش بر روی رشد نوجوان هستند. افزایش طلاق، باروری بدون تأهل، و ازدواج سفید، همراه با کاهش ازدواج و ازدواج مجدد، به طور قابل توجهی بافت خانواده‌هایی که کودکان و نوجوانان آمریکایی در آن بزرگ می‌شوند دگرگون شده

1. xiong, Z. B. ,Aruny, T. &Rettrng, K.

2. Perry, B. L.

3. Boutelle, K.

است. این پیچیدگی در آرایش زندگی کودکان با رشد آنها در ارتباط است (ساوانا^۱، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که زندگی به دور از پدر بیولوژیکی با موفقیت تحصیلی کمتر و مشکلات رفتاری بیشتر، به خصوص در میان پسران مرتبط است (جودل^۲، ۲۰۱۵). پسران تاب‌آوری کمتری نسبت به معایب ساختار خانواده دارند و افزایش زیاد خانواده‌های تک‌والدی در طول ۴۰ سال گذشته منجر به افت تحصیلی در پسران شده است (جودل، ۲۰۱۵).

یافته‌های دهه‌ها مطالعه تطبیقی نشان داده است کودکانی که در خانواده‌هایی با ناپدری و نامادری، و یا با خانواده‌هایی با یک والد زندگی کرده‌اند، نتایج روان‌شناختی، رفتاری، و تحصیلی پایین‌تری داشتند. میزان بروز رفتارهای بزهکارانه، بارداری در نوجوانی، و سوء استفاده از مواد مخدر در آنها بیشتر از کودکان خانواده‌های هسته‌ای است (تایلر، آدلریدر، اراتوپتیت^۳، ۲۰۱۳).

اگر و باربر^۴ (۲۰۱۰) در یک مطالعه که دانشگاه کنتکوی و تنسی بر روی نمونه ۶۴۱ نفری نوجوان سنین مدرسه بین ۱۲ تا ۱۸ ساله انجام داد به این نتیجه رسیدند که رابطه مستقیمی بین تعارض والد - فرزندی و مشکلات رفتاری نوجوانان از جمله افسردگی وجود دارد. در رابطه با تعارض والد - نوجوان تحقیقات نشان داده‌اند که بین شیوه فرزند پروری و میزان و روشی که تعارض در آن تجربه می‌شود رابطه وجود دارد (شک، ۲۰۰۲؛ به نقل از هولمز^۵، باندو برن، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها مشخص کرده‌اند که تعاملات خانوادگی ناسازگار، شامل سبک فرزندپروری نامناسب و روابط ضعیف بین والد و فرزند ممکن است در نتیجه‌ی استفاده والدین از مواد مخدر باشد که قویا با استفاده فرزندان از مواد مخدر مرتبط است (هوریگیان، فیستر، برینکس، رایینز، الجاندرا، زاپوزنیک^۶، ۲۰۱۵).

بررسی‌های اخیر نشان داده که کیفیت رابطه والدین و فرزندان ارتباط نزدیکی با

1. Cavanagh E. Sh.

2. Jodl, Jacqueline M.

3. Taylor H. K. , Adler-Beader F. , Erath S., Pettit S. G.

4. barber.a.

5. Holmes, T. R. Bond, L. A. Byrne. C.

6. Horigian E. V, Feaster J. D. Brinks, A. Robbins s. MI. Alejandra P. M. , Szapocznik J.

رفتارهای نوجوان و سازگاری روانی آنها دارد (اوجوا و لوپز^۱، ۲۰۰۷) هراندازه میزان بین تعارض والدین و نوجوانان بیشتر باشد میزان هیجانات منفی و مشکلات رفتاری در نوجوان بیشتر می‌شود (شان و همکاران^۲، ۲۰۰۹). بررسی‌ها نشان از این دارد که بی‌تفاوتی پدر و مادر در پرورش کودکان، بی‌مهری، سرزنش کردن بیش از اندازه آن‌ها داشتن رفتار خشن، انضباط و نظارت ناهماهنگ و نبود ارتباط مناسب با فرزند از پیش‌بینی‌کننده‌های نیرومند رفتار نابهنجار کودکان است (وایت و همکاران، ۲۰۰۸؛ به نقل از گودرزی و همکاران، ۱۳۸۳). در رابطه با تعارض والد - نوجوان تحقیقات نشان داده‌اند که بین شیوه فرزند پروری و میزان و روشی که تعارض در آن تجربه می‌شود رابطه وجود دارد (شک، ۲۰۰۲؛ به نقل از هولمز، باند ورن، ۲۰۰۸).

رفتارهای منفی والدین در خلال تعارض مثل خشم و عقب‌نشینی با میزان مشکلات ارتباطی فرزندان مرتبط است (شان و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین نشان داده شده که نوجوانان ناسازگار نگرش منفی تری نسبت به مراجع قدرت مثل پلیس، قانون و مدرسه و معلمان دارند (اوجوا و لوپز، ۲۰۰۷).

بی‌ثباتی محیط خانواده و تغییر در ساختار آن نقاط مهمی برای پژوهش بر روی رشد نوجوان هستند. افزایش طلاق، باروری بدون تأهل، و ازدواج سفید، همراه با کاهش ازدواج و ازدواج مجدد، به طور قابل توجهی بافت خانواده‌هایی که کودکان و نوجوانان آمریکایی در آن بزرگ می‌شوند دگرگون شده است. این پیچیدگی در آرایش زندگی کودکان با رشد آنها در ارتباط است (ساوانا، ۲۰۰۸). یافته‌های دهه‌ها مطالعه تطبیقی نشان داده است کودکانی که در خانواده‌هایی با ناپدری و نامادری، و یا با خانواده‌هایی با یک والد زندگی کرده‌اند، نتایج روان‌شناختی، رفتاری، و تحصیلی پایین‌تری داشتند. میزان بروز رفتارهای بزهکارانه، بارداری در نوجوانی، و سوء استفاده از مواد مخدر در آنها بیشتر از کودکان خانواده‌های هسته‌ای است (تایلر، آدلریدر، ارات و پتیت، ۲۰۱۳).

شواهد موجود نشان می‌دهد که روابط آموزشی که به طور طبیعی اتفاق می‌افتند از همه

1. Ochoa, G. M & Lopez, E. E.

2. Shoen, R. N & at al.

بیشتر مؤثر هستند و به جوانان در به دست آوردن شایستگی بعد از خروج از این سیستم و در زندگی مستقل کمک می‌کند و در صورت بروز چالش‌ها و بحران‌ها از آنها حمایت می‌کند. جوانانی که باشبکه‌های اجتماعی بزرگتر همراه بودند از زندگی رضایت کلی بیشتری داشته‌اند که خود منجر به زندگی سالم‌تر، سطح بالاتری از تحصیلات، همچنین احتمال خودکشی و انتقال بیماری‌های جنسی و خشونت فیزیکی کمتر داشتند، در حالی که جوانانی که شبکه‌های اجتماعی کوچکتر داشتند بیشتر احتمال این را دارند که بعد از خروج از مراقبت با بی‌خانمانی مواجه شوند. افزایش سطح حمایت اجتماعی ای که جوانان قبل‌تر و در طول انتقال به بیرون از سیستم مراقبتی خود دریافت می‌کردند، از طریق ایجاد فرصت بیشتر برای موفقیت، سطح استرس را کاهش می‌دهد (میشل و همکاران^۱، ۲۰۱۰).

لیسر، نیکوترا و جنسون^۲ (۲۰۱۰) عوامل خانوادگی و والدینی مؤثر در سیر رشد نوجوان را

به شرح زیر بر شمرده‌اند:

عوامل خانوادگی و والدینی که از رشد بهنجار ممانعت می‌کنند	عوامل خانوادگی و والدینی که به رشد بهنجار نوجوان کمک می‌کنند
دید منفی، غیر قابل انعطاف و انتقادی والدین نسبت به نوجوان	آگاهی و نظارت والدین بر اعمال نوجوان
نظارت کم والدین بر رفتار نوجوان	رابطه صمیمی والدین با نوجوان
تعارضات شدید مداوم در محیط خانوادگی در دوران کودکی فرزندان	توانایی والدین در تحمل تعارضات
ارتباط ضعیف میان والدین و فرزندان	حمایت و انعطاف‌پذیری والدین در برابر رشد خودمختاری نوجوان
کنترل روان‌شناختی بالای والدین از طریق تحقیر، انتقاد و دستور	وضع قوانین محکم و در عین حال انعطاف‌پذیر برای رفتار نوجوان
وضع قوانین متناقض و ناپایدار	سبک والدگری مقتدرانه
سبک والدگری قدرت طلبانه، سهل‌گیرانه یا مسامحه‌کار	دلبستگی ایمن در دوران کودکی
دلبستگی نایمن در دوران کودکی	وجود تکیه‌گاه ایمن والدینی برای نوجوان
تعارضات زناشویی شدید	ساختار خانوادگی منسجم با مرزهای روشن
	حضور بزرگسالان حمایتگر به غیر والدین در محیط زندگی نوجوان

1. Mitchell, M. B.

2. Laser, J.A. Nicotera, N., Jenson, J.M.

هر چند که مسایل مربوط به تربیت و مشکلات نوجوانان از جوانب گوناگون شناختی، عاطفی، انگیزشی و روانی مورد بررسی قرار گرفته باشد، اما به نظر میرسد این بررسی‌ها باید با توجه به تغییرات و تحولات سریع جامعه و گوناگونی مسایل نوجوانان باید مداوم و در عین حال عینی و به روز باشد (صیادی، ۱۳۸۴). لذا به منظور فراهم آوری پاسخ مناسب برای مسائل پیش گفته، در این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال هستیم که تفاوت میان فعالیت‌های خانواده درانتقال موفق و ناموفق به مرحله ی نوجوانی چرخه زندگی، مبتنی بر تجربیات خانواده‌های دارای نوجوانان موفق و ناموفق چه هستند؟

روش

تحقیق حاضر از روش پدیدارشناسی تحقیقات کیفی استفاده کرده است. از آنجا که هدف این مطالعه بررسی و درک کیفی تجارب والدین با نوجوانان موفق و ناموفق، از نقطه نظر تجربه ی زیسته والدین و نوجوانان است، لذا ورود به درون جهان تجربه‌های زیسته والدین و نوجوانان مستلزم اتخاذ رویکرد و روشی است که قادر به انجام چنین کاری باشد. از این رو از رویکرد پدیدارشناسی به عنوان توأمان نظریه و روش استفاده می‌شود. جامعه پژوهش حاضر شامل والدین با نوجوانان موفق و ناموفق در شهر تهران بود که در سال ۹۵-۱۳۹۴ در شهر تهران زندگی می‌کردند. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر مانند اکثر مطالعات کیفی با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. با توجه به نمونه‌گیری هدفمند ملاک‌های انتخاب نمونه در پژوهش حاضر عبارت بودند از: ۱- حداقل یکی از والدین در قید حیات باشد ۲- نوجوان با حداقل یکی از والدین زندگی کند ۳- دامنه سنی نوجوانان ۱۵ تا ۲۰ سال باشد ۴- نوجوانان اختلال روانی یا شخصیتی نداشته باشند ۵- نوجوان در یک زمینه اجتماعی، تحصیلی، ورزشی و فرهنگی موفق باشد ۶- نوجوان ناموفق دامنه‌ای از رفتارهای مشکل دار داشته باشد و بر حسب یک رفتار اتفافی دچار جرم نشده باشد. در ابتدا مصاحبه با نوجوان انجام می‌گرفت و پس از بررسی و میزان

تناسب نوجوان با موضوع پژوهش از یکی از والدین مصاحبه گرفته می‌شد. به این دلیل که در پژوهش‌های کیفی، اشباع داده‌ها ارتباط نزدیکی با حجم نمونه دارد و تکرار نکات مهم و برجسته در صورت ادامه مطالعه نشانه کفایت حجم نمونه است، تعداد نمونه به اندازه‌ای انتخاب شد که حداکثر محتوای کیفی در مورد تجربه خانواده‌های با نوجوانان موفق و ناموفق استخراج شود و به اصطلاح مصاحبه‌ها به اشباع برسند. با توجه به این موضوع، در پژوهش حاضر پس از مصاحبه با ۱۰ والد موفق، ۱۰ نوجوان موفق و ۱۲ والد ناموفق و ۱۲ نوجوان ناموفق پاسخ‌های افراد به حالت اشباع رسید و انجام مصاحبه متوقف شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ استفاده شد، بدین معنا که سوالات خاصی از تمام پاسخگویان پرسیده می‌شد. با این وجود به دلیل محاوره‌ای بودن مصاحبه، مصاحبه‌گر آزاد است که سوالات را تغییر دهد و یا ترتیب آنها را به شکل مناسبی جابجا کند. سوالات با در نظر گرفتن هدف کلی پژوهش و جنبه‌های مختلف روابط والد-فرزندی و فعالیت‌های مابین آنها طراحی شد.

مدت زمان هر مصاحبه با توجه به شرایط، وقت لازم، میزان تحمل و علاقه‌ی مشارکت کنندگان بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه در نظر گرفته شد. تمام مصاحبه‌های انجام شده با کسب اجازه از شرکت کنندگان به صورت صوتی و با استفاده از دستگاه MP3 ضبط گردید و سپس برای انجام تحلیل‌های بعدی به دقت مصاحبه‌ها روی کاغذ پیاده شدند. لازم به ذکر است که برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، از نام مستعار (والد ۱ و ۲ و...) برای شرکت کنندگان استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از انجام مصاحبه از شیوه تحلیل تماتیک^۲ استفاده شد. تحلیل تماتیک تقریباً در همه روش‌های تحلیل داده‌های کیفی که به طبقه‌بندی، شاخص‌بندی و سنخ‌بندی داده‌ها اشاره دارد، بکار می‌رود.

1. Semi-structured interview.

2. Thematic analysis.

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی مربوط به والدین شرکت کننده در پژوهش نشان داد میانگین سنی والدین موفق موفق ۴۵.۶ سال بود و ۷۰ درصد آنها شاغل بودند. ۳۰ درصد از والدین مدرک فوق لیسانس و ۵۰ درصد مدرک لیسانس و ۲۰ درصد مدرک دیپلم و پایین تر بودند. همچنین در ۱۰۰ درصد آنها ازدواج در جریان بود و طلاق شکل نگرفته بود میانگین سنی والدین ناموفق ۴۳.۲ سال بود. و ۱۰ درصد آنها دارای شغل مشخص بودند ۳۰ درصد بیکار بودند و ۶۰ درصد دارای شغل‌های غیررسمی بودند. ۱۰ درصد مدرک لیسانس و ۲۰ درصد مدرک دیپلم و ۶۰ درصد مدرک زیر دیپلم داشتند و ۱۰ درصد هم بیسواد بودند. همچنین در ۴۰ درصد آنها ازدواج در جریان بود و طلاق شکل نگرفته بود و در ۵۰ درصد بعد از طلاق ازدواج مجدد داشتند و ۱۰ درصد نیز بعد از طلاق هنوز ازدواج نکرده بودند.

برای بررسی عوامل آماده ساز ورود موفق به مرحله نوجوانی از دیدگاه والدین، داده‌های حاصل از مصاحبه با والدین مورد تحلیل قرار گرفت. داده‌ها در مرحله اول جمله به جمله بررسی و کدگذاری شد. این مفاهیم در مرحله دوم جهت انسجام بیشتر و تحلیل و تفسیر منسجم تر در قالب مفاهیم انتزاعی تر کد گذاری شد. در مرحله بعد مفاهیم تولید شده در فرایند کدگذاری ثانویه، در قالب ۳ مقوله عمده یا تم شامل: (۱) عوامل حفاظت کننده در حیطه خانواده، (۲) عوامل حفاظت کننده در حیطه والدینی، و (۳) عوامل حفاظت کننده در حیطه اجتماعی طبقه بندی شدند. هر یک از این عوامل دارای زیرمجموعه‌های مختلفی بودند که در ذیل به مقایسه هر یک از آنها در دو خانواده موفق و ناموفق پرداخته می‌شود.

جدول ۱. مقایسه عوامل حفاظتی والدین در حیطه خانواده

والدین ناموفق		والدین موفق		مؤلفه‌های مورد مقایسه	
وقت ناکافی برای اعضای خانواده	صرف وقت با اعضای خانواده	شیوه‌های ارتباط در خانواده		عوامل حفاظت‌کننده و	خطرساز والدین در حیطه خانواده
عدم تعلق و وابستگی به خانواده	مشارکت دادن نوجوان در تصمیم‌گیری‌ها				
روش‌های گنگ ارتباطی	استفاده روش‌های سمبلیک برای ارتباط				
روابط صمیمانه ضعیف	ارتباط صمیمانه				
ارتباط بدون مرز با دیگران	استفاده از تفریح برای ارتباط				
پیوند ضعیف والدین	پیوند مناسب والدین				
شبکه‌های ارتباطی ضعیف با فامیل					
خلاء همکاری در خانواده	تقسیم وظایف	شیوه‌های مدیریت در خانواده			
هزینه‌های بدون برنامه	بررسی هزینه‌های نوجوان				
قواعد گنگ و نامفهوم	قواعد و انتظارات مشخص				
عدم اجرای قوانین	ضمانت اجرایی قوانین				
اجرای نیمه‌کاره قوانین					
اطلاعات ناکافی از نوجوانی	داشتن اطلاعات در مورد نوجوانی				
اطلاعات غلط و ناصحیح از نوجوانی					
نظارت ناکافی بر رفتار نوجوان	نظارت بر رفتار نوجوان				

والدین ناموفق	والدین موفق	مؤلفه‌های مورد مقایسه	
تربیت چندگانه	عدم دخالت دیگران در خانواده		
خانواده گسسته	مرزبندی منعطف	ساختار خانواده	
خانواده آمیخته	مرزبندی مشخص		
مدیریت یک طرفه	حفظ سلسله مراتب خانواده		
اشتغال نامناسب	شغل مشخص	وضعیت اقتصادی خانواده	
عدم تامین هزینه‌ها	شغل مناسب اجتماعی		
فقر و محرومیت شدید			

همانطور که یافته‌های جدول (۱) نشان می‌دهد عوامل حفاظتی والدین موفق و ناموفق در حیطه خانواده تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که شیوه‌های ارتباط در خانواده (صرف وقت با اعضای خانواده، مشارکت دادن نوجوانان در تصمیم‌گیری‌ها، استفاده از روش‌های سمبلیک در ارتباط، ارتباط صمیمانه، استفاده از تفریح برای ارتباط، پیوند مناسب والدین)، شیوه‌های مدیریت در خانواده (نظیر تقسیم وظایف، بررسی هزینه‌های نوجوان، قواعد و انتظارات مشخص، ضمانت اجرایی قوانین، اطلاعات کافی در مورد نوجوانی، نظارت بر رفتار نوجوان، تامین نیازهای نوجوان، حفظ سلسله مراتب خانواده)، ساختار خانواده (مرزبندی مشخص، مرزبندی منعطف)، وضعیت اقتصادی (شغل مناسب) خانواده بودند در حالی که والدین ناموفق در مؤلفه‌های شیوه‌های ارتباط در خانواده (وقت ناکافی برای اعضا، عدم تعلق و وابستگی به خانواده، روابط صمیمانه ضعیف، شبکه‌های ارتباطی ضعیف با والدین، ارتباط بدون مرز با دیگران، پیوند ضعیف والدین)، شیوه‌های مدیریت در خانواده (خلاء همکاری در خانواده، هزینه‌های بدون برنامه، عدم وجود قواعد مشخص، عدم اجرای

قوانین، تربیت چندگانه، ناتوانی در تامین هزینه‌ها، اطلاعات ناکافی یا غلط در مورد نوجوان، نظارت ناکافی بر رفتار نوجوان)، ساختار خانواده (خانواده گسسته، خانواده آمیخته، مدیریت یکطرفه) و وضعیت اقتصادی (شغل نامناسب والدین، فقر و محرومیت شدید) خانواده روبرو بودند.

جدول ۲. مقایسه عوامل حفاظتی در حیطه والدینی

والدین ناموفق	والدین موفق	مؤلفه‌های مورد مقایسه		
روش تربیتی ناهماهنگ	استفاده از روش‌های تربیتی هماهنگ	نگرش والدین به تربیت	عوامل حفاظت‌کننده و خطرناک‌ساز والدین در حیطه والدینی	
استفاده از روش‌های تشویقی و تنبیهی نامناسب	استفاده از روش‌های تشویقی و تنبیهی مناسب			
اطلاعات تربیتی ناکافی	به روز بودن اطلاعات تربیتی			
قوانین نامشخص	انعطاف به تغییر قوانین			
تک بعدی بودن تربیت	نگاه چند بعدی به تربیت			
روش تربیتی دیکتاتورانه	روش تربیتی مقتدرانه			
روش تربیتی سهل‌گیر				
نگرش منفی به تحصیل	نگرش مثبت به تحصیل			نگرش والدین به موفقیت
عدم حمایت از نوجوان	حمایت دلگرم‌کننده			
مقایسه نوجوان با دیگران	مقایسه موفقیت‌ها به توانایی های نوجوان			
اولویت دهی به اشتغال	اولویت سلامت شخصیتی نوجوان به سایر زمینه‌های موفقیت			
الگودهی نامناسب	موفقیت			
تاکید بر زمینه‌های مورد توجه خود	توجه به استعدادهای نوجوان			

والدین ناموفق	والدین موفق	مؤلفه‌های مورد مقایسه	
منع نابجا از فعالیت	همراهی در فعالیت‌های	رفتار والدین به موفقیت	
بی توجهی به فعالیت‌ها	مشارکت در فعالیت‌ها		
اجبار نوجوان به کار	ایجاد زمینه تجربه		
بزهکاری والدین	سلامت رفتاری	آسیب‌پذیری والدگری	
سو مصرف مواد در والدین			
عدم تجربه سن نوجوانی			
ازدواج زودهنگام			
اختلال شخصیت			

همانطور که یافته‌های جدول (۲) نشان می‌دهد عوامل حفاظتی والدین موفق و ناموفق در حیطه والدینی تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که نگرش به تربیت (استفاده از روش‌های تربیتی هماهنگ، استفاده از روش‌های تشویقی و تنبیهی مناسب، به روز کردن اطلاعات تربیتی، انعطاف به تغییر قوانین، نگاه چندبعدی به تربیت)، نگرش والدین به موفقیت (نگرش مثبت به تحصیل، حمایت دلگرم‌کننده، مقایسه موفقیت‌ها به توانایی‌های نوجوان، اولویت سلامت شخصیتی نسبت به سایر زمینه‌های موفقیت، توجه و حمایت از استعداد‌های نوجوان)، رفتار والدین به موفقیت (همراهی در فعالیت‌های اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های مدرسه، همراهی در فعالیت‌های ورزشی)، آسیب‌پذیری والدگری (سلامت رفتاری) خانواده بودند در حالی که والدین ناموفق در مؤلفه‌های والدینی نگرش به تربیت (استفاده از روش‌های تربیتی دیکتاتورانه، روش تربیتی سهل‌گیر، استفاده از روش‌های تشویقی و تنبیهی نامناسب، اطلاعات تربیتی ناکافی، قوانین نامشخص، تک بعدی بودن تربیت)، نگرش والدین به موفقیت (نگرش منفی یا خنثی به تحصیل، عدم حمایت، مقایسه نوجوان با دیگران،

اولویت دهی به اشتغال، الگودهی نامناسب)، رفتار والدین به موفقیت (منع نابجا از فعالیت‌های اجتماعی، بی‌توجهی به مدرسه، کمبود دانش در مورد مواد و مصرف آن، اجبار نوجوان به کار)، آسیب‌پذیری والدگری (بزهکاری والدین، سوء مصرف مواد در والدین، عدم تجربه سن نوجوانی، ازدواج زود هنگام، اختلال شخصیت) روبرو بودند.

جدول ۳. مقایسه مؤلفه‌های حفاظتی والدین در حیطه اجتماعی

والدین ناموفق	والدین موفق	مؤلفه‌های مورد مقایسه	
عدم نظارت بردوستان	استفاده از شبکه‌های فامیلی	مدیریت ارتباطات	عوامل حفاظت‌کننده و خطر ساز نوجوان در حیطه اجتماع
بی‌توجهی به ارتباطات نوجوان	ایجاد ارتباط با افراد سازنده		
بی‌توجهی به وسایل ارتباط جمعی	نظارت بر وسایل ارتباط جمعی و فناوری‌های جدید		
عدم توجه به خطرات اجتماعی			
اعتماد نابجا به نوجوان			
نداشتن برنامه برای فعالیت‌های اجتماعی نوجوان	مهارت‌های جستجوی کمک	رفتار والد در ارتباط با موفقیت در اجتماع خانواده	
عدم حساسیت به کیفیت تحصیل	نظارت بر مسائل تحصیلی		
عدم بررسی محیط‌های ارتباطی نوجوان	استفاد از محیط‌های سالم		
	مداخله بردوستیابی نوجوان		
	آشنا شدن با دوستان نوجوان		

همانطور که یافته‌های جدول (۳) نشان می‌دهد عوامل حفاظتی والدین موفق و ناموفق در حیطه اجتماعی تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که والدین موفق در مؤلفه‌های مدیریت ارتباطات اجتماعی (نظیر استفاده از شبکه‌های فامیلی، ایجاد ارتباط با افراد سازنده، نظارت بر وسایل ارتباط جمعی)، رفتار والدین در ارتباط با موفقیت در اجتماع (نظیر مهارت‌های جستجوی کمک، نظارت بر مسائل تحصیلی، استفاده از محیط‌های سالم، آشنا شدن با دوستان نوجوان، مداخله در دوستیابی) موثر بوده‌اند در حالی که والدین ناموفق در مؤلفه‌های مدیریت ارتباطات اجتماعی (نظیر اعتماد نابجا به نوجوان، عدم توجه به خطرات اجتماعی، بی‌توجهی به وسایل ارتباط جمعی)، رفتار والدین در ارتباط با موفقیت در اجتماع (نظیر نداشتن برنامه برای فعالیت‌های اجتماعی، عدم حساسیت به کیفیت تحصیل، بی‌توجهی به کیفیت تحصیل) روبرو بودند.

نتیجه‌گیری

نوجوانی سن گذار و پراز هیجانات است. والدینی که از این موضوع درک درستی دارند بدون سد کردن انرژی نوجوان کانال‌های برای کارآمدی آن در نظر می‌گیرند استفاده از تجارب افراد موفق و ارتباط آن با الگوپذیری نوجوانان روش بسیار مفیدی است که خانواده‌های موفق از آن استفاده می‌کنند. خانواده‌های ناموفق بر اساس عدم آگاهی خود و میزان خطرات ناشی از عدم نظارت مشکلات زیادی برای رشد نوجوان فراهم می‌کنند. تعداد محدودی از پژوهش‌های طولی نشان دادند که روابط والد-کودک در رشد عملکرد هیجانی و تنظیم آن نقش دارد (بوتل و همکاران، ۲۰۰۹). کاتاپان (۲۰۰۸) نشان داد که پایین بودن انسجام و پیوستگی احساسات در خانواده و همچنین ضعیف بودن سطح سازگاری آنان می‌تواند با خطر بروز رفتارهای اعتیادی رابطه داشته باشد. هراندازه میزان بین تعارض والدین و نوجوانان بیشتر باشد میزان هیجانات منفی و مشکلات رفتاری در نوجوان بیشتر می‌شود (شان و همکاران، ۲۰۰۹). بررسی‌ها نشان از این دارد که

بی تفاوتی پدر و مادر در پرورش کودکان، بی‌مهری، سرزنش کردن بیش از اندازه آنها، داشتن رفتار خشن، انضباط و نظارت ناهماهنگ و نبود ارتباط مناسب با فرزند از پیش‌بینی‌کننده‌های نیرومند رفتار نابهنجار کودکان است (گودرزی و همکاران، ۱۳۸۳).

دی‌کویک و بوسیت (۲۰۰۵) رابطه میان الگوهای روابط خانوادگی را با مشکلات رفتاری فرزندان بررسی کردند، یافته‌های آنها بیانگر آن است که کیفیت ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر با بروز مشکلات رفتاری در نوجوانی رابطه دارد. در الگوهای ارتباطی که به نظرات فرزندان توجه نمی‌شود و آنها را در مسایل مربوط خانواده مشارکت نمی‌دهند و والدین به جای فرزندان تصمیم می‌گیرند احتمال بروز ناسازگاری فرزندان با خانواده بیشتر است (شکوهی یکتا و پزند، ۱۳۸۷).

پژوهش‌ها مشخص کرده‌اند که تعاملات خانوادگی ناسازگار شامل سبک فرزندپروری نامناسب و روابط ضعیف بین والد و فرزند ممکن است در نتیجه‌ی استفاده والدین از مواد مخدر باشد که قویا با استفاده فرزندان از مواد مخدر مرتبط است (هوریگیان، فیستر، برینکس، رایبیز، الجاندر، زاپوزنیک، ۲۰۱۵).

در حیطه عوامل مرتبط با خانواده، در خانواده‌های با نوجوانان موفق خانواده دارای ساختار مناسب با انعطاف در مرزبندی‌ها است که این مرزبندی به نوجوان کمک می‌کند تا دارای چارچوب مشخصی باشد و از گنگ بودن در نقش خود به دور باشد حال آنکه در خانواده‌های با نوجوانان ناموفق خانواده ساختار در هم تنیده و یا گسسته است و در نتیجه نوجوان الگوی مناسبی برای تعیین نقش‌های خود ندارد. در خانواده‌های در هم تنیده والدین اجازه می‌دهند تا دیگران نقش آنها را بر عهده بگیرند و در نتیجه نوجوان نیز به راحتی وارد مرزهای والدین می‌شود. مرزبندی قوانین را با خود به همراه دارد و این قوانین برای نوجوانان با تعیین مسیر مناسب یا نامناسب هستند. مرزبندی مشخص و منعطف منتهی به سلامت و حس امنیت می‌شود و در عین حال قدرت والدین را برای تاثیرگذاری بر نوجوان بالا می‌برد.

لونگ، مکلود و چانگ ولای (۲۰۰۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که دریافت

توجه و محبت مادرانه به گونه‌ای مثبت با کسب صلاحیت علمی و موفقیت‌های تحصیلی مرتبط بود. امروزه تحصیل به عنوان یک معیار اساسی در آینده و زندگی افراد تاثیرگذار است. نوجوانانی که از لحاظ تحصیلی در شرایط مناسبی هستند می‌توانند زندگی خوبی برای خود فراهم کنند و خانواده‌ها نیز با توجه به این موضوع برای تحصیل ارزش زیادی قائل بوده و وقت و هزینه مناسبی برای نوجوان در این زمینه در نظر می‌گیرند. نوجوانی که به تحصیل اهمیت می‌دهد روش‌ها و شیوه‌های مناسب ارتباطی و اجتماعی را می‌آموزد. در خانواده‌های ناموفق بی‌اهمیتی به تحصیل نوجوان فضایی را ایجاد می‌کند تا با توجه به سختی‌های تحصیل نوجوان گرایش به زمینه‌های دیگر خارج از مدرسه همانند اشتغال را پیدا کند که با توجه به سن نوجوان و عدم مهارت لازم در بسیاری از موارد مشکلات زیادی را به بار می‌آورد.

میزان بروز رفتارهای بزهکارانه، بارداری در نوجوانی، و سوء استفاده از مواد مخدر در خانواده‌های طلاق بیشتر از کودکان خانواده‌های هسته‌ای است (تایلر، آدلر بیدر، ارات، پتیت، ۲۰۱۳). در فراتحلیلی که توسط فاکس کرافت و لو (۱۹۹۱) انجام شد، حمایت و کنترل پایین توسط خانواده (از نظر نوجوانان)، آسیب شناسی والدگری (برای مثال افسردگی، اضطراب، سوء مصرف مواد توسط والدین، و استرس) با اختلال سوء مصرف مواد، افسردگی، و مشکل رفتاری در نوجوانان در ارتباط است. سوء مصرف مواد توسط والدین به عنوان ریسک فاکتوری برای سوء مصرف مواد در نوجوانان به حساب می‌آید (ساوانا، ۲۰۰۸). نوجوانانی که والدین الکلی دارند در معرض خطر تجربه مشکلاتی در نوجوانی هستند (فینان و همکاران، ۲۰۱۵).

این نتایج با نتایج تحقیق حاضر مبنی بر تأثیر مشکلات شخصیتی و رفتاری والدین بر شخصیت نوجوان همخوان است. وقتی والدین دارای مشکلات رفتاری باشند الگوی نامناسبی برای نوجوان هستند و همچنین این مشکلات باعث می‌شود تا فرصت رسیدگی به نوجوان را نداشته باشند. در بسیاری از موارد وقتی والدین توانایی حل مشکلات و مسائل خانواده را ندارند باعث ایجاد انگیزه در نوجوان برای جبران و کمک به

خانواده هستند که در نهایت منجر به درگیر شدن در فضاهای نامناسب اشتغال و بزهکاری‌ها می‌شود.

والدینی که سرد و طردکننده هستند، از تنبیه بدنی استفاده می‌کنند و در تربیت فرزندان از روش‌های متناقض استفاده می‌کنند، احتمال بیشتری هست که فرزندان پرخاشگرو ناسازگار داشته باشند (افکاری، ۱۳۹۲). در مقابل مادرانی که با حساسیت و دقت به نیازهای جسمی و عاطفی فرزندان خود پاسخ می‌دهند فرزندان از اعتماد به نفس و استقلال بیشتری برخوردارند و در برخورد با موقعیت‌های محیطی کمتری دشواری دارند (درویزه، ۱۳۸۲). اکثر تحقیقات نشان داده‌اند که روش‌های تشویقی و تنبیهی نقش بی‌بدیلی در سلامت رفتاری و شخصیتی نوجوانان دارند تنبیه‌های مستقیم اثرات سوء بسیار زیادی بر نوجوان می‌گذارند. این دست تنبیهات به وفور در خانواده‌های ناموفق دیده شده است حال آنکه در خانواده‌های موفق بدون اعمال تنبیه مستقیم (نظیر کتک زدن و فحاشی) بر نوجوان اعمال نفوذ می‌کنند. در خانواده‌های موفق برای تشویق روش‌های متنوعی و متناسب با نوجوان و شرایط در نظر می‌گیرند در صورتی که در خانواده‌های ناموفق تشویق‌ها بسیار تکراری، بیرونی و بدون توجه به نیاز نوجوان است. به عنوان مثال برای همه موارد به نوجوان پول داده می‌شود.

به طور کلی پسران تاب‌آوری کمتری نسبت به معایب ساختار خانواده دارند و افزایش زیاد خانواده‌های تک‌والدی در طول ۴۰ سال گذشته منجر به افت تحصیلی در پسران شده است (جودل، ۲۰۱۵). پسران به تحصیلات والدین، به خصوص تحصیلات پدر حساس تر هستند. همچنین مردان به شیوه نامناسبی از غیبت پدر در خانه رنج می‌برند (دی پرت و بوچمن، ۲۰۰۶). هر اندازه میزان بین تعارض والدین و نوجوانان بیشتر باشد میزان هیجانات منفی و مشکلات رفتاری در نوجوان بیشتر می‌شود (اوجوا و لویز، ۲۰۰۷). رفتارهای منفی والدین نیز در خلال تعارض، مثل خشم و عقب‌نشینی با میزان مشکلات ارتباطی فرزندان مرتبط است (شوئن و همکاران، ۲۰۰۹).

زیمرن در مطالعه خود در زمینه خودکشی نوجوانان در آمریکای لاتین دریافت که

تلاش‌های نوجوانان برای خودکشی نتیجه تلاش‌های بی‌حاصل آنها برای برقراری رابطه عاطفی با مادران است. وی استفاده از رفتار درمانی را شیوه درمانی درست می‌داند (درویزه، ۱۳۸۲). در خانواده‌های موفق ارتباطات به شکل مناسبی سیال می‌باشد و اعضای خانواده حداکثر استفاده از زمان‌های با هم بودن را دارند و نیاز به صمیمیت را در درون مجموعه خانواده برآورده می‌کنند در این خانواده‌ها از انواع روش‌های ارتباطی (سمبلیک و خلاقانه) استفاده می‌شود. در خانواده‌های ناموفق روابط والدین ضعیف بوده و دل‌بستگی اعضای به خانواده بسیار کم است اعضاء وقت کمی را برای هم صرف می‌کنند یا برنامه ریزی‌ها به شکلی است که اعضاء کمترین برخوردها را با همدیگر دارند. روابط فامیلی کم یا بی‌مرز بوده و اعضاء صمیمیت را در روابط خارج از خانواده جستجو می‌کنند.

تحقیقات نشان داده‌اند فارغ از نژاد، تحصیلات، یا ازدواج مجدد مادر، نوجوانانی که در خانه‌های بدون پدر زندگی می‌کنند، درصد بیشتری از افسردگی، اضطراب و رفتار بزهکارانه از خود بروز می‌دهند (کراوچاک، ۲۰۱۰). خانواده‌های موفق با ایجاد یک امنیت اقتصادی در خانواده و همچنین اشتغال مشروع نیازهای بیرونی نوجوان را تامین می‌کنند در حالی که والدین ناموفق با عدم تامین اقتصادی مناسب نوجوانان آنها را وادار به تامین نیازهای خود از طریق خوداشتغالی خود نوجوان می‌کنند که علاوه بر عدم فرمانبری نوجوانان باعث می‌شوند تا نوجوانان در محیط‌های کاری نامناسب با رفتارهای خطرآفرین آشنا شوند و شبکه‌های ارتباطی نامناسبی ایجاد کنند.

این یافته‌ها با تحقیقات (هولمز، باند و برن، ۲۰۰۸)، لونگ، مک د و چانگ ولای (۲۰۰۴) هماهنگ است، همچنین مؤثرترین خانواده‌ها، خانواده‌هایی هستند که در مقابل تغییرات نوجوانی سازگارترند (کراوچاک، ۲۰۱۰). احساس نزدیکی و ارتباط میان والد و نوجوان به ما کمک می‌کنند تا تشخیص دهیم که والدین چقدر در تضمین کردن رفتارهای سالم در فرزندانشان مؤثر بوده‌اند (ساوانا، ۲۰۰۸). خانواده‌های موفق دائماً اطلاعات خود از دوره نوجوانی را به روز می‌کنند و از شیوه‌های مختلف کسب اطلاعات

استفاده می‌کنند در حالی که خانواده‌های ناموفق یا اطلاعات کمی دارند و یا اینکه از منابع اطلاعاتی غلط استفاده می‌کنند. نوجوانی دنیای بسیار گسترده‌ای دارد که نیازمند اطلاعات بسیار زیاد و دریافت حمایت برای کمک به گذر از آن به وسیله والدین است. در رابطه با تعارض والد - نوجوان تحقیقات نشان داده‌اند که رابطه بین شیوه فرزند پروری و میزان و روشی که تعارض در آن تجربه می‌شود وجود دارد (هولمز، باند و برن، ۲۰۰۸). والدین مقتدر کنترل همراه با رابطه گرم و پاسخ‌گویی به فرزندان را شیوه‌ی خود می‌دانند (رجایی و همکاران، ۱۳۸۷). فرزندان که از والدینی با سبک فرزندپروری مقتدر برخوردارند اهدافی واقع بینانه و در سطح توانایی خود برمی‌گزینند (حسینی غفاری و همکاران، ۱۳۸۷) و سطوح بالاتری از خودمختاری و صلاحیت اجتماعی و میزان کمتری از پرخاشگری از خود نشان می‌دهند. کودکان والدین مقتدر دارای بالاترین سطح سازگاری بوده و میزان بالایی از استقلال را نشان می‌دهند (هیون و سیاروحی، ۲۰۰۶). همچنین والدین قاطع دارای سطح بالایی از کنترل و پاسخدهی بوده و فرزندان آن‌ها اجتماعی و به طور مؤثری با کفایت‌اند و مشکلات رفتاری اندکی دارند (دستجردی، ۱۳۹۱). نتایج پژوهش اقدستا (۱۳۹۱) نشان داد که سبک فرزندپروری ادراک شده والدین با بهزیستی روان شناختی فرزندان رابطه معنادار دارد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که گرمی، دل‌بستگی و حمایت خانوادگی از مشخصات خانواده‌ای هستند که نوجوان را از اضطراب و دیگر رفتارهای درونی سازی حفاظت می‌کنند. همچنین حمایت خانوادگی، نظارت در خانواده و انسجام خانوادگی به عنوان سپری برای استفاده از الکل در نوجوانی شناخته شده‌اند (پیکوو و کوکس، ۲۰۱۰). سیچتی و روگوش^۱ (۲۰۰۲) نشان داده‌اند، یکی از عناصر مرتبط با توانایی نوجوان برای عبور موفق از این مرحله، تعداد منابعی است که برای کمک به آن‌ها وجود دارد. والدین موفق از لحاظ اطلاعات تکنولوژیکی خود را به روز می‌کنند و می‌توانند جلوی سوء استفاده‌های احتمالی نوجوان از شکاف اطلاعاتی بین دو نسل را بگیرند و در عین حال

فرصتی برای ارتباط ایجاد کنند. عدم توجه به ارتباطات نوین جمعی باعث می‌شود تا شکاف بین والدین و نوجوان بسیار زیاد شده و نوجوان را وارد دنیای کند که بسیار متفاوت تر از دنیای تجربه شده درون خانواده باشد.

پژوهش‌هایی که بر روی جو خانواده تمرکز کرده اند، ابعاد متعددی از کارکرد خانواده را ایجاد کردند که رشد کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از جمله ساختار خانواده، انسجام، ارتباط، فضای عاطفی، و توانایی حل مسئله (گراسک، داویدو، ۲۰۱۰). هماهنگی بین والدین در شیوه‌های تربیتی علاوه بر ایجاد یک جو همراه با آرامش در خانواده از سردرگمی نوجوان در ارتباط با والدین جلوگیری می‌کند این هماهنگی از مثلث سازی‌های درون خانواده پیشگیری می‌کند. حال آنکه نوجوانان در خانواده‌های با والدین ناهماهنگ در یک سردرگمی نقش فرزندی و ارتباطی با والدین قرار می‌گیرند که در هر صورت و با توجه به تناقض والدین دچار شکست نقشی می‌شوند. این ناهماهنگی والدین منجر به استرس‌های زیادی برای نوجوان می‌شود که گاهی برای رفع این استرس تمایل به ارتباطات خارج از خانواده پیدا می‌کنند و یا به تنش‌های بین نوجوان یا والدین منجر می‌شود. به طور کلی نتایج نشان‌دهنده تأثیر خانواده بر گذر موفق به نوجوانی و شیوه‌های تربیتی آنها از عوامل موثر و اساسی است. خانواده‌ها باید به شکل جامع و همه جانبه حمایتی را فراهم آورد که شامل جنبه‌های درون فردی تا سطح اجتماعی را در بر می‌گیرد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که عملکرد خانوادگی از مهمترین ابعاد در رشد نوجوان است و عملکرد صحیح و سالم خانواده و نوجوان در مرحله نوجوانی چرخه زندگی خانواده منجر به سلامت و موفقیت نوجوان و در مقابل آن عملکرد ناسالم آن منجر به بروز عوارض و آسیب‌های جدی برای نوجوان و خانواده می‌شود. با توجه به اینکه بخش عمده این پژوهش با روش کیفی انجام شده است، محدودیت‌های روش کیفی از جمله غیرممکن بودن حذف سوگیری مشاهده‌گر، عدم کنترل اعتبار نتیجه‌گیری محقق و عدم قابلیت تعمیم‌پذیری بر آن وارد است. در مصاحبه‌ها فقط از یکی از والدین استفاده شد که تعمیم نتایج را با محدودیت مواجه می‌کند.

با توجه به نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود متخصصان این حوزه با غنی‌سازی مبانی نظری به دست آمده نسبت به تهیه پرسشنامه‌ای متناسب با نتایج تحقیق اقدام نمایند. همچنین در ارزیابی‌های وضعیت خانواده‌ها با نوجوان لازم است که به عوامل و شاخص‌های شناسایی شده در این پژوهش توجه شود و پیشنهاد می‌شود که از عوامل خطر ساز و عوامل حفاظتی منجر به گذر موفق که در این پژوهش شناسایی شده است در مصاحبه‌های ارزیابی مشاوران در کار با خانواده‌ها استفاده نمایند.

منابع

- افکاری، پرپسا. (۱۳۹۲). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری، عزت نفس و سلامت روان مادران کودکان دارای ناتوانی‌های یادگیری و مادران کودکان عادی. پایان نامه ارشد، اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.
- اقدستا، الهام. (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده والدین با بهزیستی روان شناختی، درماندگی روان شناختی و موفقیت تحصیلی فرزندان. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- درویشه، زهرا. (۱۳۸۲). بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش‌آموزان دبیرستانی و اختلال رفتاری دختران شهر تهران. *مجله مطالعات زنان*، ۱ (۳)، ۵۷-۲۹.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۰). *روان شناسی رشد ۲*. تهران: انتشارات پیام نور.
- شکوهی یکتا، محسن، پرند، اکرم. (۱۳۸۷). آموزش روش حل مساله به مادران و تاثیر آن بر روابط خانوادگی. *خانواده پژوهی*، ۴ (۱۳)، ۵-۱۶.
- صیادی، علی. (۱۳۸۴). *بررسی و مقایسه اثرات متقابل کارایی خانواده در بروز مشکلات روانی نوجوانان*. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- ظفرمند کاشانی، مینو. (۱۳۹۳). *بررسی هویت در نوجوانان دختر و پسر واجد و فاقد پدر*. پایان نامه کارشناسی ارشد، شاهرود: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- کورش نیا، مریم، لطیفیان، مرتضی. (۱۳۸۶). بررسی رابطه ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده با میزان اضطراب و افسردگی فرزندان. *خانواده پژوهی*، ۳ (۱۰)، ۵۸۷-۶۰۰.
- گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت. (۲۰۰۹). *خانواده دروانی*. ترجمه حسین شاهی براتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند. تهران: نشر روان. (۱۳۹۲).
- گودرزی، محمدعلی، زرنقاش، مینا، زرنقاش، مریم. (۱۳۸۳). برداشت سوء مصرف کننده مواد از الگوهای انضباطی والدین. *مجله اندیشه و رفتار*، ۱۰ (۲۴۱)، ۳-۲۴۹.
- میرشاهی، علی. (۱۳۷۴). مطالعه و مقایسه نوع ادراک پسران محبوب و غیر محبوب نزد همسالان از والد -

فرزندى و برادر خواهرى در پايه دوم مدارس غيرانتفاعى نواحى سه و چهار مشهد در سال ۷۴-۷۳. پايان نامه
 کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روان شناسی.

- Boutelle Kerri, Eisenberg E. Marla, Gregory L. Melissa, Neumark-Sztainer Dianne. (2009). The reciprocal relationship between parent-child connectedness and adolescent emotional functioning over 5 years. *Journal of psychosomatic research*, 66, 309-316.
- Cattapan, O. (2008). Parental illicit drug use and family life: Reports from those who sought help. *Australian and New Zealand journal of family therapy*, 29 (2), 77-87.
- Cavanagh E. Shannon. (2008). Family structure history and adolescent adjustment. *Journal of family Issues*, 29 (7) , 944-980.
- DiPrete, T. A. , & Buchmann, C. (2006). Gender-specific trends in the value of education and the emerging gender gap in college completion. *Demography*, 43 (1) , 1-24.
- Finan J. Laura, Schulz Jessica, Gordon S. Mellissa, McCauley Ohanessian Christine. (2015). Parental problem drinking and adolescent externalizing behaviors: The mediating role of family functioning. *Journal of adolescence*, 43, 100-110.
- Grusec, J. E. , & Davidov, M. (2010). Integrating different perspectives on socialization theory and research: A domain-specific approach. *Child Development*, 81, 687-709.
- Heaveb, P. C. L, Ciarrohi, J. (2006). Perception of parental styles and eysenckian pshchoticism youth: A prospective analysis personality and individual difference, 41. 61- 70.
- Holmes, T. R. ,Bond, L. A & Byrne, C. (2008). Mother beliefs about knowledge and mother-adolescent conflict. *Journal of social and personal relationship*, 25, 561-587.
- Horigian E. Viviana, Feaster J. Daniel, Brinks Ahnalee, Robbins s. Michael, Alejandra Perez Maria, Szapocznik Jose. (2015). The effects of Brief Strategic Family Therapy (BSFT) on parent substance use and the association between parent and adolescent substance use. *Addictive behaviors*, 42, 44-50.
- Jodl, Jacqueline M. (2015). *Differential effects of family context on noncognitive ability and school performance during adolescence*. Doctoral thesis, Columbia University, United states.
- Kravchuck, Stephen J. (2010). *A qualitative investigation of successful male adolescent development: the perspectives of well-functioning male adolescents and their parents*. Doctoral thesis, chestnut Hill College, United States.
- Laser, J.A. Nicotera, N., Jenson, J.M. (2010). *Working with adolescents: A guide for practitioners*. US: Gilford Press.
- Leung, C. Y. w. , McBride-change, C. , & Lai, B. P. Y. (2004). Relations among maternal parenting style, academic competence, and life satisfaction in Chinese early adolescents. *The journal of early adolescence*, 24 (2) , 123 – 143.
- Mitchell, M. B. Kuczynski, L. Tubbs, C. Y. & Ross, C. (2010). We care about

- care: Advice by children in care for children in care, foster parents and child welfare workers about the transition into foster care. *Child and family social work*, 15 (2) , 176-185
- Ochoa, G. M & Lopez, E. E. (2007). Adjustment problems in the family and school context, attitude towards authority and Volant at school in adolescence. *Journal of personality and social psychology*, 8, 546 – 555.
 - Perry, B. L. (2006). Understanding social network distribution: The ease of youth in foster care. *Social problems*, 53 (3) , 371-391.
 - Piko, B. F. , & Kovacs, E. (2010). Do parents and school matter? Protective factors for adolescent substance use. *Addictive Behaviors*, 35 (1) , 53-56.
 - Shoen, R. ,N. M. Astone, K. Robert, N.J. Standish, Y.J. Kim. (2009). Women's employment, marital happiness and divorce. *Social Forces*, 81, 643-662.
 - Taylor Harcourt Kate, Adler-Beadar Francesca, Erath Stephen, Pettit S. Greg. Examining family structure and half-sibling influence on adolescent well-being. (2013). *Journal of family Issues*, 36 (2) , 250-272.
 - xiong, Z. B. ,Aruny, T. &Rettrng, K. (2008). Adolescents' problem behaviors and parent- adolescent conflict in among immigrant families. *Hmung studies journal*, 9, 1 – 21.

